

## فهرست نام های ذکر شده\*

آله (Alais) مأمور پلیسی که خیر توطئه ای را که بر ضد ژنرال شانگاریه و رئیس مجلس، دوپن، در جمعیت ۱۰ دسامبر چیده می شد به کمیسر مجلس ملی رساند.

آنگلا، فرانسوا ارنست (Angla, Francois-Ernet)، از مالکان عمده و نماینده ی مجلس قانون گذاری ملی [تا].

اوتپول، کنت دو (Hauptpoul, comte de) (۱۷۸۹-۱۸۶۵): ژنرال و سیاستمدار. در ۱۸۴۹ به نمایندگی مجلس برگزیده شد. به جناح راست درآمد و به وزارت جنگ رسید. از طرف داران و بزرگان امپراتوری دوم بود.

اودینو، ژنرال (Oudinot) (۱۷۹۱-۱۸۶۳): پسر یک مارشال ناپلئونی، ژنرال، و فرمانده لشکریان اعزامی فرانسه بر ضد جمهوری رم. عضو مجلس قانون گذاری. در آن جا با سیاست شاه زاده- رئیس جمهوری لویی ناپلئون بناپارت مخالفت کرد و کوشید در مقابل کودتا بایستد.

اورلئان، هلن لونیز دوشس. زن دوک اورلئان، پسر بزرگ شاه لویی فیلیپ، که در ۱۸۵۲ مرد. پس از آن که لویی فیلیپ به نفع نوه اش، کنت دوپاری و پسر دوشس اورلئان، از سلطنت کناره گرفت، این دوشس می بایست در دوران صغارت فرزندش نایب السلطنه باشد. وی با دو پسرش به مجلس نمایندگان رفت. ولی اعلام جمهوری وی را واداشت که با دو فرزندش راه تبعید را در پیش گیرد.

بارو، اودیلون (Barrot, Odillon) (۱۷۹۱-۱۸۷۳): رئیس جناح مخالف طرف دار خاندان های سلطنتی در مجلس، یعنی رئیس گروه چپ میانه رو، در سلطنت ژوئیه؛ در ۱۸۴۷ بانی مبارزات مهمانی ها شد که دامنه ی آن از حدود پیش بینی هایش فراتر رفت. در مجلس مؤسسان و مجلس قانون گذار و جزو اورلئانیست ها بود. از طرف رئیس نخستین کابینه ای که در دوره ی شاهزاده- رئیس جمهور لوئی ناپلئون بناپارت (۲۰ دسامبر ۱۸۴۸- اول ژانویه ی ۱۸۴۹) تشکیل شد دعوت به کار، و وزیر دادگستری شد. سیاستی ارتجاعی را پیش برد که آزادی مطبوعات و تجمع را محدود می کرد. باشگاه ها را بست، و بانی لشکرکشی رم گردید. دوباره به عقاید سلطنتی اش روی آورد و از شاهزاده رئیس جمهور جدا شد، و پس از کودتا از زندگانی سیاسی کناره گرفت و تا پایان امپراتوری این روش را ادامه داد.

باروش (۱۸۰۲- ۱۸۷۰): وکیل دعاوی، نماینده ی روشفور در ۱۸۴۷. دادستان دادگاه عالی بورژ که ادعانامه ی علیه بانیان وقایع ۱۵ مه ۱۸۴۸ و ۱۳ ژوئن ۱۸۴۹ را نوشت. به شاهزاده- رئیس جمهور لوئی ناپلئون بناپارت پیوست، و در ۱۸۵۰، وزیر کشور کابینه ی اوتپول شد. پس از کودتای ۲ دسامبر رئیس شورای دولت با رتبه ی وزارت شد.

باز، ژان دیدیه (Baze, Jean- Didier) (۱۸۰۰- ۱۸۸۱): وکیل دعاوی و سیاستمدار. در دوره ی سلطنت ژوئیه جزو جناح مخالف طرف دار خاندان های سلطنتی در مجلس بود. عضو مجالس مؤسسان و قانون گذار، اورلئانیست، مباشر مجلس قانون گذار، یکی از عوامل پیشنهاد معروف به «پیشنهاد مباشران» بود. که هدف آن دادن حق به مجلس ملی برای در اختیار داشتن نیروی مسلح بود. بی درنگ پس از کودتای ۲ دسامبر از فرانسه تبعید شد.

بدو، ماری آلفونس (Bedeau, Marie- Alphonse) (۱۸۰۴-۱۸۶۳):  
ژنرال و سیاستمدار. فرمان دار کل الجزایر، نماینده و نایب رئیس مجلس  
مؤسسان و مجلس قانون گذار. بی درنگ پس از کودتای لوئی بناپارت دستگیر و  
از فرانسه اخراج شد.

براگ دیلیه، کنت (Braguay d'Hilliers)، (۱۷۹۵-۱۸۷۸): نظامی  
حرفه ای، نماینده ی دوب در مجلس در سال های ۱۸۴۸ و ۱۸۴۹، و یکی از  
رهبران حزب نظم. به شاه زاده رئیس جمهور لوئی ناپلئون بناپارت پیوست و  
در کودتای ۲ دسامبر شرکت کرد. به پاداش این کار قرار بود مارشال و سناتور  
شود.

بروگلی، آشیل شارل دوک دو (Broglie, Achille-Charles, duc de)  
(۱۷۸۵-۱۸۷۰) سیاستمدار دوره ی احیای سلطنت ژوئیه. طرف دار گیزو. پس  
از انقلاب فوریه، به عضویت مجلس قانون گذاری انتخاب شد که در آن جا در  
جرگه ی اورلئانیست ها قرار گرفت. فعالانه به نفع تجدیدنظر در قانون اساسی  
دخالتم کرد. پس از کودتا از سیاست کناره گرفت.

بریه، پییر آنتوان (Berryer, Pierre-Antoine) (۱۷۹۰-۱۸۶۸): وکیل  
دعاوی و سیاستمدار، سخن گوی مجالس قانون گذاری در دوره ی سلطنت  
ژوئیه. نماینده ی مجلس مؤسسان در ۱۸۴۸، که در مجلس مدافع حق الاهی  
پادشاهان و مخالف این بود که این حق به آراء عمومی محول شود. وی تا پایان  
عمر از اصل مشروعیت خاندانی دفاع کرد و بدان وفادار ماند.

بلان لونی (Blanc, Louis) (۱۸۱۱-۱۸۸۲): روزنامه نگار، سیاستمدار و  
نظریه پرداز سوسیالیست. در ۱۸۴۰ جزوه ای با عنوان سازمان کار منتشر  
کرد که در جهان کارگری بازتاب وسیعی یافت. در ۱۸۴۱، اثر دیگری از وی

با عنوان تاریخ ده سال (۱۸۴۰-۱۸۳۰) و در ۱۸۴۷ کتاب تاریخ انقلاب از او منتشر شد. مخالف اصل نبرد طبقاتی بود و فکر می کرد با تأسیس کارگاه هایی زیر حمایت دولت می توان به صورت مسالمت آمیز از جامعه ی سرمایه داری به جامعه ی سوسیالیستی گذر کرد. عضو حکومت موقت ۱۸۴۸، رئیس کمیسیون لوکزامبورگ مأمور بهبود وضع طبقات کارگری، پس از تظاهرات ۱۵ مه و ایام ژوئن ۱۸۴۸ راه مهاجرات و تبعید را در پیش گرفت و به فرانسه برنگشت مگر در سال ۱۸۷۰. وی که مخالف جریان کمون بود تا آخر عمر از حرکت سوسیالیستی کناره گرفت.

**بلانکی، اگوست (Blanqui, Auguste) (۱۸۰۵-۱۸۸۱):** مردی که از نظر استواری اندیشه و توان خویش از بزرگ ترین انقلابیون فرانسه در قرن نوزدهم بود. دریافت های انقلابی اش به شدت زیر نفوذ اندیشه های بابوف قرار داشت. وی که بسیار زود به افکار فرقه ی زیرزمینی انقلابی ایتالیا، موسوم به کاربوناری گرویده بود، بعد از ۱۸۳۰، با سرسختی تمام با سلطنت ژوئیه مخالفت می کرد. پس از شورش ۱۸۳۹، بلانکی به مرگ محکوم شد، و این مجازات سپس به حبس ابد کاهش یافت. با انقلاب فوریه از زندان رهایی یافت و بی درنگ به جنبش انقلابی پیوست، باشگاهی تأسیس کرد، و کوشید طبقه ی کارگر را متشکل کند. دوباره، به سبب شرکت اش در حوادث روز ۱۵ ماه مه ۱۸۴۸ به ده سال زندان محکوم شد. ۱۴ اوت ۱۸۷۰ کوشید تا حکومت ناپلئون سوم، سپس در ۳۰ اکتبر، حکومت دفاع ملی، را سرنگون کند. به خاطر همین اقدام به زندان ابد محکوم شد و نتوانست در کمون پاریس مشارکت داشته باشد. به عقیده ی بلانکی، دیکتاتوری پیشاهنگان انقلابی تنها راه برای استقرار نظام سوسیالیستی بود.

بنوا دازی، دنی (Benoit d'Azy, Denis) (۱۷۹۶-۱۸۸۰): متخصص امور مالی و صنعتی، سیاستمدار، طرف دار خانواده ی بوربن. نماینده ی لژیونیمست و نایب رئیس مجلس لژیونیمست سال های ۱۸۴۹ تا ۱۸۵۱ [تا].

بوآسی دانگلا، ژان گابریل کنی دو (Boissy d'Anglas, Jean- Gabriel Comte de) (۱۷۸۲-۱۸۶۴): فرزند رئیس مشهور کنوانسیون. در دوره ی نیابت سلطنت خدمت کرد. نماینده و منشی مجلس نمایندگان در عهد سلطنت ژونیه بود. در جمهوری دوم، در انتخابات تکمیلی برای عضویت در مجلس قانون گذاری برگزیده شد. روز بعد از کودتای لوئی بناپارت نامزد برای تشکیل دولت بود.

بیو، اگوست آدولف (Billault, Auguste-Adolphe) (۱۸۰۵-۱۸۶۳): وکیل دعاوی، عضو مجلس مؤسسان، طرف دار لوئی بناپارت. روز بعد از کودتا، به ریاست مجلس قانون گذاری منصوب شد. از ۱۸۵۴ تا ۱۸۵۸ وزیر کشور بود [تا].

پاری، لوئی فیلیپ آلبر دورلئان، کنت دو، (-Paris, Louis-philippe) (Albert d'Orléans) (۱۸۳۸-۱۸۹۴): پسر بزرگ دوک فردینان دورلئان، نوه ی شاه لوئی فیلیپ، همان کسی که شاه نامبرده در ۲۴ فوریه ۱۸۴۸ به نفع او از سلطنت کناره گرفت. پس از اعلام جمهوری، وی با مادرش، دوشس اورلئان، فرانسه را ترک کرد. در جنگ انفصال آمریکا شرکت کرد. در ۱۸۷۳، به نفع کنت دوشامبور (هانری پنجم) از ادعاهای خود نسبت به سلطنت فرانسه دست کشید پس از مرگ کنت دوشامبور در ۱۸۸۳، توسط سلطنت طلبان فرانسه با عنوان فیلیپ هفتم شاه فرانسه اعلام شد.

پرو، بنژامن پیر (Perrot Benjamin-Pierre)، ژنرالی بود که در سرکوب شورش ژوئن دست داشت. پس از برکناری شانگاریه فرمانده گارد ملی استان سین شد.

**پرسینی، کنت دو** (Persigny, comte de) (۱۸۰۸-۱۸۷۲): سیاستمدار. حرفه اش را در خدمت نظام شروع کرد و بعد از انقلاب ژوئیه رهایش کرد. در جنبش سن سیمونی ها شرکت کرد. بعدها طرف دار بناپارت شد و نقش فعالی در اقدامات کودتایی لوئی ناپلئون در استراسبورگ و بولونی دشات. روز بعد از انقلاب فوریه، یکی از سازمان دهندگان پرشور حزب بناپارتيست بود. عضو مجلس قانون گذاری شد. فعالانه در کودتای ۲ دسامبر شرکت داشت.

**پرودون، پییرژوزف** (Proudhon, Pierre-Joseph) (۱۸۰۹-۱۸۶۵): روزنامه نگار، نماینده ی سوسیالیزم خرده بورژوایی، پسر گارسون آجوفروش در بزانسون، در نوزده سالگی از تحصیل دست کشید. دور فرانسه را گشت و به کار چاپ و حروف چینی پرداخت. در سال ۱۸۳۸، دیپلم متوسطه اش را گرفت و به پاریس آمد. در ۱۸۴۰ کتاب **مالکیت چیست؟** را منتشر کرد. در ۱۸۴۲، به خاطر کتاب **اخطار به مالکان** به دادگاه فراخوانده شد. در ۱۸۴۶ کتاب **دستگاه تناقض های اقتصادی، یا فلسفه ی فقر** را منتشر کرد که کارل مارکس جوابش را با کتاب **فقر فلسفه** داد. در مقام نماینده ی مجلس مؤسسان در ۱۸۴۸، و همکار مطبوعاتی روزنامه های متعدد، به همه ی احزاب حمله می کرد. در مارس ۱۸۴۹، به خاطر مقاله ای که درباره ی مسئولیت شاه زاده- رئیس جمهور نوشت محکوم شد. مقصود پرودون این بود که «میان بورژوازی و پرولتاریا، سرمایه و مزد، آشتی برقرار کند.»

تورینی، پیر فرانسوا لویون دو ( Thorigny, Pierre-Fraçois )  
 (Leuillon de) (۱۷۹۸-۱۸۶۹) حقوقدان بناپار تیسست. در ۱۸۳۴ تحقیق  
 درباره ی شورش لیون را هدایت کرد. کمی قبل از کودتا وزیر کشور شد.

توکویل، آکسی شارل هائری دو ( Tocquville, Alerin-Charls Herni )  
 (de) (۱۸۰۵-۱۸۵۹): مورخ، جامعه شناس و دولتمرد. از ۱۸۳۹ عضو  
 مجلس نمایندگان، که در آن جزو چپ مشروطه خواه بود. بر ضد کابینه ی گیزو  
 رأی داد و خصلت اجتناب ناپذیر انقلاب دموکراتیکی را نشان داد. عضو مجلس  
 مؤسسان و مجلس قانون گذاری. وزیر خارجه ی کابینه ی ادیلون بارو.  
 گزارشگر کمیسیون تجدیدنظر قانون اساسی. در مقاومت بر ضد کودتای ۲  
 دسامبر شرکت داشت. مدتی توقیف و سپس به زودی آزاد شد. مؤلف کتاب  
 مشهور نظام قدیم و انقلاب.

تیریر، آدولف (Thiers, Adolphe) (۱۷۹۷-۱۸۷۷): مورخ، در دوره ی  
 احیاء با تاریخ انقلاب فرانسه که بیانگر عقاید بورژوازی لیبرال آن دوره است  
 معروف شد. در انقلاب ۱۸۳۰ نیز در رسیدن دوک اورلئان به تخت سلطنت  
 سهم به سزائی داشت. یکی از نخستین چهره های سیاسی سلطنت ژوئیه بود.  
 وزیر کشور، سپس وزیر امور خارجه، رئیس کابینه در ۱۸۳۶، سپس در  
 ۱۸۴۰، از رهبران جناح مرکز چپ در فاصله ی سال های ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۸  
 بود. در مقام نماینده ی مجلس مؤسسان در ۱۸۴۸، از رهبران حزب نظم به  
 شمار می رفت. از کینه اش نسبت به جنبش کارگری، نامزدی شاه زاده رئیس  
 جمهور لوئی ناپلئون بناپارت را تسهیل کرد. ولی بعد با سیاست های او  
 به مخالفت برخاست. در کودتا توقیف و تبعید شد. ولی در ۱۸۵۲ برگشت  
 و نماینده ی پاریس در ۱۸۶۳ شد. با سیاست ناپلئون سوم مخالفت کرد. در

فوریه ی ۱۸۷۱، از طرف مجلس ملی بوردو، به عنوان رئیس قوه ی اجرایی برگزیده شد. جنبش کمون را با خشونت بسیار زیاد سرکوب کرد.

**دوپرا، پییر پاسکال** (Duprat, Pierre-Pascal) (۱۸۱۵-۱۸۸۵): سیاستمدار. عضو مجالس مؤسسان و قانون گذار. حکومت نظامی پاریس در ۲۴ ژوئن ۱۸۴۸ به پیشنهاد او بود و کاونیاک در پی آن به دیکتاتوری رسید. رقیب سرسخت لوئی بناپارت. در شب کودتای ۲ دسامبر ۱۸۵۱ دستگیر و تبعید شد.

**دوپن، آندره** (Dupin, André) (۱۷۸۳-۱۸۶۵): قاضی و سیاستمدار، در ۱۸۲۷ به نمایندگی مجلس انتخاب شد و جزو گروه لیبرال ها در آمد. در انقلاب ژوئیه ۱۸۳۰ نقش مهمی بازی کرد. در مقام رئیس مجلس، از ۱۸۳۲ تا ۱۸۳۷، از مشاوران با نفوذ لوئی فیلیپ بود. پس از ۱۸۴۸، خاندان اورلئان را رها کرد، رئیس مجلس قانون گذاری شد و به لوئی ناپلئون بناپارت تقرب جست.

**دوشاتل، شارل کنت** (Duchatel, Charles, Comte)، در سال های ۱۸۳۴ تا ۱۸۳۶ وزیر بازرگانی و در سال های ۱۸۳۹ و ۱۸۴۰-۴۸ وزیر کشور بود [تا].

**راتو، ژان پییر لاموت** (Rateau, Jean-pierre Lamotte) (۱۸۰۰-۱۸۸۷): نماینده ی مجلس مؤسسان در ۱۸۴۸، موافق سیاست شاهزاده- رئیس جمهور لوئی ناپلئون بناپارت. عامل پیشنهادی بود که بنا به مفاد آن، مجلس مؤسسان با در نظر گرفتن پایان مأموریت خویش، به انحلال خود رأی داد و به جای آن مجلس قانون گذاری تأسیس شد.

رموزا، شارل فرانسوا ماری کنت دو (Rèmusat, Comte de) (۱۷۹۷-۱۸۷۵): نویسنده و سیاستمدار طرف دار خاندان اورلئان. عضو مجلس نمایندگان در سلطنت ژوئیه. طرف دار تییر. عضو مجلس مؤسسان و مجلس قانون گذاری و پس از کودتا، یکی از امضاکنندگان فرمانی بود که خواستار تعقیب قانونی لوئی ناپلئون بناپارت می شد. مدتی در مهاجرت گذراند. در جمهوری سوم، وزیر امور خارجه در کابینه ی تییر شد. در ۱۸۴۰ وزیر کشور شد.

روهیر، اوژن (Rouher, Eugène) (۱۸۱۴-۱۸۸۴): وکیل دعاوی و سیاستمدار. عضو مجلس مؤسسان و مجلس قانون گذاری. از ۳۱ اکتبر ۱۸۴۹ تا ۲۶ اکتبر ۱۸۵۱، وزیر دادگستری. پس از کودتا دوباره وزیر دادگستری شد. چنان نفوذی بر ناپلئون سوم داشت که معروف به «نایب امپراتور» شد. پس از سقوط ناپلئون سوم به لندن مهاجرات کرد. ولی به زودی به فرانسه بازگشت و رئیس گروه بناپار تیسست مجلس شد.

ژونویل، شاه زاده (Joinville, Prince de) (۱۸۱۸-۱۹۰۰): پسر سوم لوئی فیلیپ، امیرال. پس از انقلاب ۱۸۴۸ به خارج مهاجرت کرد و اغلب در انگلیس به سر برد.

ژیراردن، امیل دو (Girardin, Emile de) (۱۸۰۶-۱۸۸۱): روزنامه نگار و سیاستمدار. با تأسیس لاپرس، نخستین روزنامه ی سیاسی ارزان قیمت، که از درآمدهای تبلیغاتی و آگهی ها استفاده می کرد، انقلابی در روزنامه نگاری ایجاد کرد. نخست طرف دار لوئی ناپلئون بناپارت بود. ولی بعد با وی در مجلس به مخالفت برخاست و پس از کودتا از فرانسه اخراج شد. ولی به زودی به امپراتوری دوم پیوست و به فرانسه برگشت.

ژیراردن، که اعتقاد سیاسی نداشت، قبل از هر چیز اهل معامله و زدوبند بود. ژیراردن، مادام (Girardin) (۱۸۰۴-۱۸۵۵) نویسنده ی فرانسوی و همسر امیل ژیراردن-م.

ژیرو، شارل (Giraud, Charles) (۱۸۰۲-۱۸۸۲): مورخ، حقوقدان و سیاستمدار. وزیر آموزش عمومی در ۱۸۵۱.

سالاندروز (Sallandrouze) (۱۸۰۸-۱۸۶۷): از صاحبان صنایع و نماینده ی هر دو مجلس ابتدا سلطنت طلب و طرف دار اورلئانیست ها بود، بعداً از کودتا طرف داری کرد. در سرکوب شورش های بعد از کودتا، خانه اش از بمباران توپخانه آسیب بسیار دید.

سالواندی، نارسیس آشیل کنت دو (Salvandy, comte de) (۱۷۹۵-۱۸۵۶): مورخ و سیاستمدار. چند بار وزیر آموزش و پرورش شد. در سلطنت ژوئیه چند مأموریت دیپلماتیک داشت. خصم سرسخت انقلاب فوریه، طرف دار اورلئان و هوادار یکی شدن دو شاخه ی بوربن ها.

سن پریان، لوئی ویکنت دو (Saint Priest, Louis, Vicomte de)، ژنرال و سیاستمدار، و قبل از سنت آرنو نماینده ی مجلس قانون گذاری [تا].

سنت آرنو، ژاک لوروا (Saint-Arnaud, Jacqus Loroy) (۱۷۹۶-۱۸۵۴): ژنرال. مدت ها در الجزایر خدمت کرد. در ۱۸۵۱، فرمانده لشکر دوم پاریس، و ۱۶ اکتبر همان سال، وزیر جنگ شد. در کودتای ۲ دسامبر بسیار فعال بود. به درجه ی مارشالی رسید و در جنگ کریمه شرکت کرد و در آن مرد.

سنت بوو، هانری (Sainte-Beuve, Henri) (۱۸۱۹-۱۸۵۵): از صاحبان صنایع و مالک ارضی در استان آواز. عضو مجلس مؤسسان و قانون گذاری. طرف دار مبادله ی آزاد، خصم لئوی ناپلئون.

سن- پریست، ویکنت (Saint-Preist, ... vicomte) (۱۸۰۵-۱۸۵۱): نویسنده و دیپلمات. رهبر لژیونیمیت. عضو مجلس مؤسسان.

سن- ژان دانژالی، رنیو دو (Saint-Jean d'Angèly, Regnault de) (۱۷۹۴-۱۸۷۰): ژنرال. در ۱۸۵۱ وزیر جنگ شد.

سو، اوژن (Sue, Eugène) (۱۸۰۴-۱۸۵۷): رمان نویس و سوسیالیست. مشهورترین رمان های اجتماعی اش هبارت اند از: رازهای پاریس، یهودی سرگردان، رازهای مردم. در ۱۸۵۰ به نمایندگی مجلس قانون گذاری رسید که در آن نقش کاملاً فرعی داشت.

سولوک (Soulaque) (۱۷۸۲-۱۸۶۷) رئیس جمهوری سیاه پوستان هائیتی که مقلد ناپلئون اول بود. وی در سال ۱۸۴۹ خود را امپراتور هائیتی اعلام کرد، و انبوهی از مارشال ها و ژنرال های زنگی دور و برش را گرفتند، و درباری به الگوی دربار فرانسه برای خودش ترتیب داد. مردم فرانسه که به این شباهت پی برده بودند بناپارت ثانی را «سولوک فرانسوی» لقب داده بودند.

سه، ژان باتیست (Say, Jean-Baptiste): اقتصاددان فرانسوی که آیین اقتصادی آدام اسمیت را در آغاز قرن نوزدهم به زبان ساده ای به مردم معرفی کرد [تا].

شارل باتیست شاراس (Charras, Charles Baptiste) (۱۸۱۰-۱۸۶۵): سرهنگ ارتش. نویسنده ی کتابی تحت عنوان **نبرد واترلو**. وی در سرکوب

شورش ماه ژوئن شرکت داشت و در هر دو مجلس ملی جمهوری دوم نماینده بود. در کودتای اول دسامبر دستگیر و تبعید شد.

**شامبور، هانری شارل دارتوا** (Chambord, Henri-Charles d'Artios) (۱۸۲۰-۱۸۸۳): پسر کنت دوبری و نوه ی شارل دهم. در ایام ژوئیه ۱۸۳۰، شارل دهم به نفع وی از سلطنت کناره گرفت، و در نتیجه همین کنت شامبور با عنوان هانری پنجم مدعی تاج و تخت فرانسه شد. در دوران جمهوری سوم، در افس زندگی می کرد. با مرگ او چراغ دودمان بوربن ها خاموش شد.

**شانگاریه، ژنرال** (Changarnier) (۱۷۹۳-۱۸۷۷): فرماندار کل الحزایر در ۱۸۴۸. اندکی بعد عضو مجلس مؤسسان، در مقام فرمان دهی لشکریان مقیم پاریس به سلطنت طلبان پیوست. به علت رقابت با لوئی ناپلئون بناپارت از مشاغل اش برکنار و در دسامبر ۱۸۵۱ دستگیر و سپس تبعید شد. در ۱۸۷۵، علیه برقراری جمهوری رأی داد، ولی باهمه ی این ها به مقام سناتوری مادام العمری برگزیده شد.

**شرام، ژان پل** (Schramm, Jean-Paul) (۱۷۸۹-۱۸۶۴): ژنرال. از اکتبر ۱۸۵۰ تا ژانویه ی ۱۸۵۱ وزیر جنگ بود با برکناری شانگاریه مخالف بود و استعفا داد.

**فالو، کنت دو** (Fallou, comte de) (۱۸۱۱-۱۸۸۶): لژیونریست و کشیش، در ۱۸۶۴، به نمایندگی مجلس قانون گذاری، سپس در سال ۱۸۴۸، به عضویت مجلس مؤسسان انتخاب شد. در ماه مه ۱۸۴۸، در مسأله ی کارگاه های ملی، گزارشگر کمیسیون مربوط به آن شد: رأی به الغاء آن ها داد چون می خواست کار جنبش کارگری را یک سره کند، در کابینه ی اودیون بارو وزیر آموزش و پرورش و مذاهب شد، و در ۱۸۵۰ «قانون فالو» را از

تصویب گذراند که دستگاه آموزش و پرورش را به بهانه ی آزادی آموزش، به کشیشان تسلیم می کرد. پس از کودتا از زندگانی سیاسی کناره گرفت تا دوباره در ۱۸۷۱ جزو سلطنت طلبان به آن باز گردد.

**فلون، پل لوئی** (Flotte, Paul-Louis) (۱۸۱۷-۱۸۶۰): در دریانوردی فرانسه کار می کرد و چندین سفر علمی انجام داد. طرف دار فوریه (Fourier) بود. پس از انقلاب فوریه از سخن گویان با نفوذ باشگاه بلانکی شد. در آشوب های ۱۵ مه و شورش ژوئن ۱۸۴۸ شرکت کرد. در مارس ۱۸۵۰ سوسیالیست ها وی را نامزد عضویت مجلس نمایندگان کردند که مورد حمایت دموکرات قرار گرفت و این نشانه ی اتحاد دو شاخه و یکی شدن آن ها بود. پس از کودتای ۲ دسامبر از فرانسه اخراج شد. فلوت در جنبش رهایی بخش ایتالیا به رهبری گاریبالدی هم شرکت داشت.

**فوشه، لئون** (Faucher, Léon) (۱۸۰۳-۱۸۵۴): عضو مجلس مؤسسان، وزیر امور عام المنفعه، در ۱۸۴۸، وزیر کشور در ۱۸۵۱. پس از کودتا از مسائل سیاسی کناره گرفت و به کار اقتصاد سیاسی پرداخت. از کسانی بود که در تأسیس بانک اعتبار ارضی دخالت داشت.

**فولد، آشیل** (Fould, Achille) (۱۸۰۰-۱۸۶۷): متخصص امور مالی و سیاستمدار. دیکتاتور بانک پاریسی فولد- اوپنهایم. نماینده ی مجلس مؤسسان در ۱۸۴۸. وزیر دارائی شاه زاده- رئیس جمهور لوئی ناپلئون بناپارت. پس از کودتا وزیر دارائی شد، ایضاً در سال های ۱۸۶۲ و ۱۸۶۷.

**کارلیه، پییر** (Carrier, Pierre) (۱۷۹۹-۱۸۵۸): رئیس شهربانی پاریس در زمان ریاست جمهوری لوئی ناپلئون بناپارت.

**کاساتیاک، آدولف گرانیه دو** (Cassagne, Adolphe-Granier de) (۱۸۰۶ - ۱۸۸۰): نویسنده، مورخ و رمان نویس. در سلطنت ژوئیه، طرف دار خاندان اورلئان بود. پس از انقلاب فوریه، از طرف داران افراتی بناپارت شد، و بعدها، در دوره ی امپراتوری، با فعالیت های ادبی اش از لوئی ناپلئون حمایت کرد. عضو هیأت قانون گذاری. مشاجرات قلمی سرشار از وسواس وی مشهور است.

**کالیگولا (Caligula)**، امپراتور رومی (۳۷ تا ۴۱ م) که خود را خدا اعلام کرد و نظام استبدادی مطلق به وجود آورد. تکیه گاه او نظامیان، به ویژه گاردهای «پرتورین» بودند. نامش از واژه ی caliga می آید به معنی شکارچی سربازان رم. خود پرتورین ها در توطئه ای در درون دربار او را به قتل رساندند. [تا].

**کاونیاک، اوژن لوئی** (Cavaignac, Eugène- Louis) (۱۸۰۲ - ۱۸۵۷): ژنرال و سیاستمدار، برادر کوچک تر جمهوری خواه معروف گوددوفروا کاونیاک بود. وی در حین خدمت نظامی اش در الجزایر ترقی کرد و در حکومت موقت فرماندار الجزایر شد. عضو مجالس مؤسسان و قانون گذاری، یکی از رؤسای حزب جمهوری خواه بورژوازی «خالص» بود. وزیر جنگ شد و در ایام ژوئن ۱۸۴۸ برای سرکوب شورش اختیارات فوق العاده گرفت و با خشونت تمام از این اختیارات استفاده کرد. پس از واگذاری اختیارات کامل، به ریاست وزرا و قوه ی مجریه انتخاب شد. مع ذلک، در انتخابات عمومی فقط ۱۰۷/۴۴۸/۱ رأی آورد در حالی که لوئی ناپلئون سه برابر او رأی داشت. در شب ۲ دسامبر ۱۸۵۱ دستگیر شد ولی به زودی آزاد گردید. دوبار نماینده ی پاریس شد، ولی هر بار از ادای سوگند وفاداری برای رژیم تازه خودداری کرد.

**کرامول، اولیویر (Cromwell, Olivier)** (۱۶۵۸-۱۵۹۹): سیاستمدار معروف انگلیس. لرد حامی جمهوریّت. در طول جنگ داخلی استعدادهای خود را به عنوان سردار و سازمان دهنده ی شایسته نشان داد. هنگام درگیری تعارضی میان پارلمان (که دوازده سال طول کشید و به همین مناسبت «پارلمان طولانی» نام گرفت) و ارتش درخواست انتخابات جدید می کرد، کرامول در رأس یک دسته سرباز به پارلمان و کابینه آمد و هر دو را متفرق کرد. همین کودتا از وی دیکتاتوری ساخت که لقب «لرد حامی» را گرفت.

**کرتون، نیکولا (Creton, Nicolas)** (۱۷۹۴-۱۸۶۴): وکیل دعاوی و سیاستمدار. در دوره ی سلطنت ژوئیه، عضو جناح مخالف مجلس و طرف دار خاندان های سلطنتی بود. بعدها، عضو مجلس مؤسسان و قانون گذاری شد. اورلئانیست بود. چندین بار پیشنهاد کرد فرمان تبعید اعضای خاندان های سلطنتی لغو شود.

**کنستان، بنیامین (Constant, Benjamin)**: نویسنده ی لیبرال و سیاستمدار. از رهبران مخالف شارل دهم در سال های ۱۸۲۰ [تا].

**کوزن، ویکتور (Cousin, Victor)**: فیلسوف فرانسوی. در کابینه ی کوتاه تییر، در ۱۸۴۰، وزیر آموزش و پرورش شد. کوشید افکار دکارت، هیوم و کانت را در یک دستگاه فلسفی که خود وی آن را «التقاطی» می نامید با هم تلفیق کند [تا].

**کوسیدیر، مارک (Caussidière, Marc)** (۱۸۰۸-۱۸۶۱): کارمند سنت اتین، در شورش لیون در ۱۸۳۴ شرکت داشت، محکوم به بیست سال زندان با اعمال شاقه شد، ولی در ۱۸۳۷ مورد عفو قرار گرفت. در همه ی توطئه های جمهوری خواه شرکت داشت. در فوریه ی ۱۸۴۸، پس از شرکت در نبرد

سنگرهای خیابانی، شهربانی را به تصرف در آورد و همان جا ماند. پس از ۱۵ مه متهم شد، بعد از شورش های ایام ژوئن ۱۸۴۸ تحت تعقیب بود و مجبور شد راه تبعید در پیش گیرد. بعدها برگشت و در فرانسه مرد.

**کولار، پیر پل روایه** (Collard, Pierre-Paul Royer): صاحب نظر سیاسی و سیاستمدار دوره ی احیاء سلطنت. از پادشاهی مشروطه به عنوان ابزار فرمان روایی بورژوازی علناً دفاع می کرد [تا].

**گیزو، فرانسوا** (Giuzot, Francois) (۱۷۸۴ - ۱۸۷۴): مورخ و دولتمرد، استاد سوربن در دوره ی امپراتوری، در دوره ی احیاء سلطنت به حزبی که طرف دار کاربست دقیق منشور ۱۸۱۴ بود پیوست. در ۱۸۳۰ به نمایندگی مجلس برگزیده شد و با فرمان های ژوئیه ی ۱۸۳۰ به مخالفت برخاست. در دوره ی احیاء سلطنت بیش از پیش به سمت محافظه کاری گرایید. پیاپی به مقام های وزارت کشور، وزارت آموزش عمومی، و سفارت فرانسه در لندن رسید، و در ۱۸۴۰ به کابینه ی سول راه یافت. از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۸ هدایت سیاست داخلی و خارجی فرانسه با او بود. با هر نوع اصلاحی، اعم از پارلمانی و انتخابی، مخالف بود. وی نماینده ی مجسم سیاست بورژوازی محافظه کار بود که فکر می کرد شعارش باید این باشد «تا می توانید ثروتمند شوید». مخالفت گیزو با درخواست های لیبرال ها باعث انقلاب ۱۸۴۸ شد. گیزو، پس از کناره گیری از سیاست به مطالعات تاریخی پرداخت و کتاب **تاریخ انقلاب انگلیس** را به پایان رساند که از اهم آثار تاریخی اوست.

**لاروش ژاکلن** (La Rochejaquelein, marquis de) (۱۸۰۵ - ۱۸۸۶): در ۱۸۴۲ نماینده ی مجلس شد و یکی از رؤسای حزب لژیتمیست ها که از نظر املاک خانوادگی به آن ها تعلق داشت گردید. پس از انقلاب ۱۸۴۸، به

جمهوری گرایی و نماینده ی مجلس مؤسسان، سپس مجلس قانون گذاری شد. با کودتای ۳ دسامبر ۱۸۵۱ مخالفت کرد ولی دوباره به امپراتوری گروید و سناتور شد.

لاک، جان (Locke, John) (۱۶۳۲ - ۱۷۰۴): فیلسوف و نویسنده ی سیاسی انگلیس. مؤلف مقاله درباره ی فهم بشری.

لامارتین، ماری لوئی آلفونس دو پرا دو ( Lamartin, Marie-Louis ) (alphonse de prat de) (۱۷۹۰-۱۸۶۹): عضو مجلس نمایندگان در سلطنت ژوئیه، گاه حافظه کار مستقل بود، گاه عنوان مترقی را انتخاب می کرد. در ایام فوریه ۱۸۴۸ با نیابت دوشس دورلنان مخالفت کرد و خواستار تشکیل حکومت موقت شد که خودش هم در آن شرکت داشت. منظورش این بود که در آن حکومت نقش میانجی را بازی کند، ولی خیلی زود شهرت اش را از دست داد. پس از کودتای ۲ دسامبر سیاست را کنار گذاشت.

لاموریسیر (Lamoricière, christophe Léon Juchaut de) (۱۸۰۹-۱۸۶۵): ژنرال و سیاستمدار. حرفه ی نظامی را در الجزایر و مراکش آغاز کرد. پس از انتخاب شدن به مجلس نمایندگان در ۱۸۴۶، جزو گروه مدافع خاندان های سلطنتی شد. عضو مجالس مؤسسان و قانون گذاری. در این مجالس جزو گروه جمهوری خواهان بورژوا بود. در ایام ژوئن زیر فرمان کاونیاک در سرکوب شورش کارگری شرکت داشت. در کابینه ی کاونیاک از ۱۸ ژوئن تا ۲۰ دسامبر ۱۸۴۸ وزیر جنگ شد. دشمن لوئی ناپلئون بناپارت بود و بر ضد تجدید نظر در قانون اساسی رأی داد و شب کودتا دستگیر و تبعید گردید. در ۱۸۶۰ فرمان دهی لشکریان پاپ را بر ضد پیمون به عهده گرفت. شکست خورد و اسیر شد.

لاهیته، دوکو، ویکننت دو (Lahitte, Ducos, Vicomte de) (۱۷۸۹-۱۸۷۸): ژنرال. در زمان ریاست جمهوری لوئی بناپارت، از نوامبر ۱۸۴۹ تا ژانویه ی ۱۸۵۰ وزیر جنگ شد. در امپراتوری دوم به مقام سناتور ری رسید.

لوئی فیلیپ (Louis-philippe): (۱۷۷۳-۱۸۵۰): پادشاه فرانسه از ۱۸۳۰ تا ۱۸۴۸. پسر دوک دو لوئی فیلیپ ژوزف اورلئان. مثل پدرش به نفع انقلاب موضع گرفت، وارد گارد ملی شد و به باشگاه ژاکوبین ها پیوست. پس از خیانت دوموریه که وی زیر فرمانش بود، لوئی فیلیپ، که در توطئه بر ضد جمهوری شرکتی نداشت، مجبور به ترک فرانسه شد و دوباره با خاندان بوربن آشتی کرد. پس از استعفای شارل دهم، لوئی فیلیپ را پادشاه فرانسه اعلام کردند. وی نمونه ی پادشاه بورژوا بود. او که به عنوان پدر خانواده خصال درخشانی داشت توانست از منافع شخصی و به ویژه منافع مادی اش با مهارت دفاع کند. بدین سان توانست اموال اش را، به جای اموال دولتی، به عنوان اموال خانوادگی به ثبت برساند. دوران فرمان روایی اش نمودار سلطه ی بارز بورژوازی بزرگ، به ویژه بورژوازی بالای مالی، دوره ی فساد و ریخت و پاش در «محافل بالا»ی جامعه است. پس از انقلاب فوریه، به انگلستان فرار کرد و در آن جا در سال ۱۸۵۰ در کاخ کلیرمونت که چندان از ویندسور دور نبود مُرد.

لودرو- رولن، الکساندر (Ledru-Rollin, Alexandre) (۱۸۰۴-۱۸۷۴): در ۱۸۴۲، نماینده ی مجلس بود و در رأس حزب جمهوری خواه دموکرات نقش مهمی ایفا کرد؛ در ۱۸۴۳، از بنیادگذاران روزنامه ی لافورم بود که گرایش های سوسیالیستی داشت. در مبارزه ی مهمانی ها، و سپس در انقلاب فوریه، بسیار مؤثر بود. در وزارت کشور حکومت موقت تمایلات دموکراتیکی

از خود نشان داد. در سمت نماینده ی مجلس مؤسسان، و عضو کمیسیون اجرایی، به همراه لامارتین رهبری سرکوب علیه تظاهرکنندگان ۱۵ مه را به عهده گرفت. حوادث ایام ژوئن باعث شد که به صف مخالفان بپیوندد. در نمایندگی مجلس قانون گذاری، رئیس «مونتانی» شد، که حزب خرده بورژوائی با گرایش های دموکراتیک بود. پس از شورش بی فرجام ۱۳ ژوئن ۱۸۴۹، راه تبعید در انگلیس را در پیش گرفت و تا سال ۱۸۷۰ در آن جا ماند.

**لوفلو، آدولف شارل (Lefflo, Adolphe-Charles) (۱۸۰۴ - ۱۸۸۸):** ژنرال دیپلمات، عضو مجلس های مؤسسان و قانون گذاری، و یکی از میانشان در مجلس اخیر دشمن سرسخت لوئی ناپلئون بود و شب کودتا دستگیر و از فرانسه تبعید شد.

**ماراست، آرمان (Marrast, Armand) (۱۸۰۱-۱۸۵۲):** روزنامه نگار و سیاستمدار. در دوره ی احیاء سلطنت جزو مخالفان مبارز در جناح لیبرال بود. در انقلاب ۱۸۳۰ شرکت کرد. در سلطنت ژوئیه در جنبش جمهوری خواه دخالت داشت. پس از ۱۸۳۸، مدیریت **لونسیونال**، روزنامه ی جمهوری خواه بورژوا، را به عهده گرفت. در فوریه ۱۸۴۸ عضو حکومت موقت، سپس، در ۶ مارس، شهردار پاریس شد که با اقدامات دموکراتیک مخالفت کرد. در مقام نماینده ی مجلس مؤسسان با سیاست سرکوب پس از ایام ژوئن همدستی کرد. پس از شکست در انتخابات مجلس نمایندگان از سیاست کناره رفت.

**مالویل، لئون دو (Malleville, Leon de) (متولد ۱۸۰۲):** در دوره ی سلطنت ژوئیه، عضو مجلس نمایندگان، طرف دار تبیر، سپس عضو مجلس مؤسسان شد و جرو جناح اورلئانیست قرار گرفت. در دسامبر ۱۸۴۸ وزیر کشور شد.

ماینیان، برنار پییر (Magnan, Bernard-Pierre) (۱۷۹۱-۱۸۵۵):  
 ژنرالی که در ارتش ناپلئون خدمت کرد ولی دوران ترقی اش از الجزایر شروع شد. در شورش کارگری لیون (۱۸۳۱)، چون با خشونت لازم در برابر کارگران رفتار نکرده بود بر کنار شد و به خدمت بلژیک در آمد. در ۱۸۳۹، به فرانسه برگشت و در سرکوب شورش های لیل و روبه شرکت کرد. با مشارکت در لشکرکشی لوئی ناپلئون به بولونی، در معرض اتهام قرار گرفت ولی تبرئه شد. در ایام ژوئن ۱۸۴۸، با لشکریان تحت امرش به کمک ژنرال کاوونیاک به پاریس رفت. سپس در سرکوب شورش لیون که پس از شورش پاریس در ۲۳ ژوئن ۱۸۴۸ رخ داد، مشارکت کرد. و به همین دلیل مارکس به وی لقب «فاتح لیون» داد. در ژوئیه ۱۸۴۹، به عضویت مجلس قانون گذاری انتخاب شد. طرف دار لوئی بناپارت، در ۱۸۵۱ به عنوان فرمانده پادگان پاریس انتخاب شد. در کودتای ۲ دسامبر با نظامیان اش جنبش پاریس را درهم کوبید. به همین دلیل هم مارکس وی را «قهرمان ایام دسامبر» می نامد. کمی بعد عنوان مارشالی را گرفت و به سنا راه یافت.

موپا (Maupas, Charlemagne, Émile) (۱۸۱۷-۱۸۸۸): طرف دار بناپارت. رئیس شهربانی آلیه در ۱۸۴۹ و اوت گارون در ۱۸۵۰، که در آن جا در مقابل حزب دموکراتیک سخت ایستادگی کرد لوئی ناپلئون چون تدارک کودتا را دید وی را به سمت رئیس پلیس پاریس منصوب کرد. موپا فعالانه در کودتا شرکت کرد. بعدها وزیر پلیس شد (ژانویه ی ۱۸۵۲ تا ژوئن ۱۸۵۳).

مورنی، شارل آگوست، کنت دو (Morny, Charles-Auguste, Comte) (۱۸۱۱-۱۸۶۵): شخصیت مالی و سیاستمدار. پسر نامشروع ملکه هورتنس هلند زن لوئی بناپارت؛ از طرف کنت دومورنه که فرزند نداشت به

فرزندی پذیرفته شد. ابتدای ترقی اش در ارتش در الجزایر بود. بعد شوالیه ی صنعت و بورس شد. به مجلس نمایندگان راه یافت که در آن جا از گیزو پیروی می کرد. در دوره ی جمهوری دوم عضو مجلس قانون گذاری و هوادار لوئی بناپارت شد. فعالانه در مقدمات کودتا شرکت داشت. آلفونس دوده در رمان Nabab در قالب پرسوناژ موران در واقع از او سخن می گوید.

**موگن، فرانسوا (Mauguin, Fraucoi) (۱۷۸۵- ۱۸۵۴):** وکیل دعاوی و سخنور مشهور. در دوره ی احیاء سلطنت عضو مجلس نمایندگان و جناح لیبرال بود. عضو حکومت موقت در انقلاب ژوئیه ۱۸۳۰، سپس عضو مجلس شد که آن جا هم در جناح مخالفان قرار گرفت. عضو دو مجلس مؤسسان و قانون گذاری بود.

**موله، لوئی ماتیو کنت (Molè, Louis-Mathieu Comte) (۱۷۸۱- ۱۸۵۵):** در دوره ی امپراتوری، عضو شورای دولت، در دوره ی احیاء، و بعد در سلطنت ژوئیه وزیر طرف دار سیاست راست مرکز بود. از اعضای هر دو مجلس مؤسسان و قانون گذاری شد، بر ضد کودتا اعتراض کرد.

**مونتالامبر، اوژن، کنت دو (Montalembert, Comte de) (۱۸۱۰- ۱۸۷۰):** روزنامه نگار و سیاستمدار. همراه لامونه روزنامه ی لاوونیر (L'Avenir) را که ارگان کاتولیک های لیبرال بود تأسیس کرد. پس از محکوم شدن این جنبش توسط پاپ وی به سمت عقاید کاتولیکی آشتی ناپذیر تحول یافت. عضو مجلس همسران در سلطنت ژوئیه، از عقاید افراطی شعبه ای از بدعت گذاران مسیحی پیرو مونتائوس دفاع می کرد. در مقام نماینده ی مجلس مؤسسان و مجلس قانون گذاری به لوئی بناپارت پیوست و کودتا را تأیید کرد.

**مونک (Monk)** (۱۶۰۸-۱۶۶۹) ژنرال انگلیسی در دوران انقلاب کبیر انگلیس که انقلاب را سرکوب و خاندان استوارت را در سلطنت ابقا کرد.  
**نومیر (Neumeyer)** ژنرال، فرمانده لشکر اول و رئیس ستاد ژنرال شانگاریه.

**نه، ادگار (Ney, Edgar)** (۱۸۱۲-۱۸۸۲): سرهنگ. پسر مارشال نه مشهور، آجودان رئیس جمهور. به عنوان مأمور ویژه به رم رفت که در آن جا در ۱۸ آوریل ۱۸۵۱، نامه ی مشهور لوئی نپالئون به او رسید؛ نامه ای که باعث بحث و جدل در مجلس ملی شد و در آن لوئی نپالئون شرط برقراری مجدد قدرت پاپ پی دهم را غیر مذهبی شدن ادارات دولتی و کاربست قوانین ناپلئونی قرار می داد.

**واتیمسنیل، آنتوان (Vatimesnil, Antoine)** (۱۷۸۹-۱۸۶۰): سیاستمدار فرانسوی دوره ی احیاء سلطنت. در دوره ی شارل دهم، وزیر آموزش و پرورش شد. عضو مجلس قانون گذاری بود.

**ورون، لوئی (Vèron, Louis)** (۱۷۸۹-۱۸۶۰): روزنامه نویس، به عنوان مدیر اپرای پاریس ثروت هنگفتی به چنگ آورد. در ۱۸۳۵، روزنامه ی **لوکونستیتوسیونل** را، که ابتدا ارگان تییر بود، تأسیس کرد. پس از انتخاب لوئی نپالئون بناپارت به ریاست جمهوری (۱۸۴۸) به خدمت ادوارد. پس از کودتا، ورون به عنوان نامزد حکومت نماینده ی مجلس شد. چهره ی او در آثار بالزاک ابدی گردید: در زمان **دختر عموبت**، پرسوناژ **کروول هموست**.

**وزه (Vaisè Claude- Marius)** (۱۷۹۹-۱۸۶۴) از شاخص ترین اعضای گمنام و هیچ کاره ی کابینه ای که بناپارت از پادوها و میرزابنویس ها تشکیل داده بود، وزیر کشور قبل از کودتا ۱۸۵۱.

**ویدال، فرانسوا (Vidal, Francois)** (۱۸۱۲ - ۱۸۷۲): سوسیالیست. دبیر کل کمیسیون لوکزامبورگ در ۱۸۴۸. وی گزارش این کمیسیون را با همکاری پکور نوشت. در انتخابات ۱۰ مارس ۱۸۵۰ از سوی پاریس و استراسبورگ به نمایندگی مجلس قانون گذاری انتخاب شد.

**ویدمیر، ژوزف (Weydemeyer Joseph)**: از اعضای اتحادیه ی کمونیستی بود که در انقلاب ۱۸۴۸ شرکت داشت. او هم چنین از ۱۸۴۹ تا ۱۸۵۰ سردبیر Neue Deutsche Zeitung بود. در ۱۸۵۱ به آمریکا مهاجرت کرد. خود مارکس در پانویس کتاب درباره ی وی چنین نوشته است: «فرمانده ی نظامی ناحیه ی سنت لوئی در جنگ داخلی آمریکا» [تا].

**ویل، ژان باتیست، کنت دو (Villèle, Jean-Baptiste, Comte de)** نخست وزیر در سال های ۱۸۲۲ تا ۱۸۲۷، به عنوان نماینده ی سلطنت طلبان افراتی، شاه زاده ی پولنیاک، نخست وزیر سال های ۱۸۲۹ تا ۱۸۳۰، نماینده ی ارتجاعی ترین بخش حزب [تا].

**وییرا (Vieyra)** سرهنگ، رئیس ستاد گارد ملی. پس از جنبش ۱۳ ژوئن ۱۸۴۹، در رأس اعضای گارد ملی که روزنامه های دموکراتیک را توقیف کردند قرار گرفت و محل اداره ی آن جراید را ویران کرد. در کودتا شرکت فعال داشت.

**هائری پنجم (Henri V)**: به شامبور بنگرید.

**هوگو، ویکتور (Hugo, Victor)** (۱۸۰۲ - ۱۸۵۵): نویسنده ی شهیرو عضو مجلس مؤسسان و مجلس قانون گذار. از دشمنان لویی بناپارت. پس از کودتا، در سنگرهای خیابانی شرکت کرد، سپس راه تبعید در خارج را تا سال ۱۸۷۰ در پیش گرفت.

یون (Yon): کمیسر پلیس مجلس ملی.

نشر مرکز، چاپ اول ۱۳۷۷

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM IWSN, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: [yasharazarri@yahoo.com](mailto:yasharazarri@yahoo.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۶